

هنر انقلاب؛

از مرتضی تا مرتضی



محمدحسین سلطانی
خبرنگار

بهرتر است مرتضی سرهنکی را خودمان روایت نکنیم. بهتر است نگوییم که او پدر ادبیات پایداری است. بهتر است نگوییم او برای جامعه ما چه کرده، بهتر است دیگران این را بگویند. بهتر است کلام آدم‌هایی که شناخته شده‌اند و در صدق کلامشان کسی شکی ندارد، بهتر است آن‌هایی از آقا معلم، آقا مرتضی سرهنکی بگویند و ما تنها شنونده این گفته‌ها باشیم. کسی که نام او در کنار نام مرتضی آوینی، اسم مرتضی را برایمان زیبا و زیباتر کرده است. حالا که کتاب جدید او هم منتشر شده، سیری کردم در کلام آنانی که با سرهنکی روزگار گذرانده‌اند. پیش از آغاز این متن و آوردن نقل قول‌ها بهتر است گریزی بزنیم

هدایت‌الله‌بهبودی:

برایم صحبت از سرهنکی بی‌شباهت به جلوی آیینه ایستادن نیست

اواسط آبان ماه سال ۱۳۹۴، بزرگداشتی گرفته می‌شود برای مرتضی سرهنکی با عنوان «راوی عشق» و در آن هدایت‌الله بهبودی پشت‌تریبون می‌رود و از رفیق سال‌های دورش می‌گوید: «برای‌رهایی از ناتوانی در سخنرانی، دست به دامن قلم و کاغذ شدم تا بتوانم از همراه و همکار دیروز و امروزم مهند این روزها جملاتی بگویم. گفتم همکار، به همه اجزهایی که برای دیوارچینی او انداختم می‌بالم. گفتم همراه، به سفرهای کاری که یک سر آن در کنار رود ارس، خرمشهر، سنت‌پترزبورگ، هیروشیما و... می‌بالم. با آن همه سفرهای دلی، سفرهایی که به مکه و سری در کر بلا داشت. سفرهای غیرکاری یا رفتن به سونا، استخر، کوه تابازی کل کوچیک

چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۴



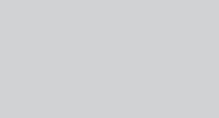
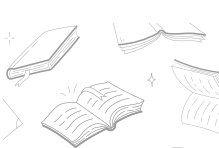
شماره ۴۴۱۱



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE



اهالی فرهنگ و هنر دربارهٔ سردار ادبیات پایداری چه می‌گویند

هنر انقلاب؛

از مرتضی تا مرتضی

به کلام کسی که گفت من اگر شاعر بودم برای سرهنکی شعر می‌گفتم، و آن شخص کسی نیست جز رهبر انقلاب: «اگر بنده شاعر بودم، یقیناً در مدح شماها، در مدح آقای سرهنکی، در مدح آقای بهبودی، در مدح آقای قدمی، در مدح همین خاطرمسازان و خاطره‌انگیزان قصیده می‌ساختم؛ حقیقتاً جا دارد؛ چون کار بسیار بزرگ و بااهمیتی است. این آقایان معقدند قضایای دوره دفاع مقدس را بایستی مستند، تبیین و مستدل کرد تا بر اساس این‌ها آثار هنری به وجود بیاید که کاملاً درست است. اعتقاد من این است که ما هر چه برای دوره دفاع مقدس سرمایه‌گذاری و کار کنیم، زیاد نیست؛ چون ظرفیت هنری و ادبی کشور برای تبیین این دوره، خیلی گسترده، وسیع و عمیق است و از این ظرفیت تاکنون استفاده خوب و درخوری نشده؛ البته کتاب‌های خوبی نوشته شده است، لیکن این رشته باید استمرار پیدا کند.»

هدایت‌الله‌بهبودی:

برایم صحبت از سرهنکی بی‌شباهت به جلوی آیینه ایستادن نیست

وسفره‌نشینی تا چشیدن شاه‌میگو... همه را زندگی کردیم، تا توانستم از رنگ آسمان دل او وام بگیرم و پس‌لنذ کنم. برایم صحبت از سرهنکی بی‌شباهت به جلوی آیینه ایستادن نیست. ترکیب‌هایی که اولش با لغت خوش آغاز می‌شود، مانند خوش‌سلیقه، خوش‌تیپ، خوش‌اخلاق زیاد دارم، اما یکی از این ترکیب‌ها خوش‌فکری است که برای سرهنکی هم داللت دارد. او آدمی است بسیار خوش‌فکر، از این جهت باید یادنامه‌ای فراهم شود و برای فعالیت‌های سه‌دهه کاری او چند نفر انتخاب شوند و صحبت کنند. در مورد تجرب‌های کاری‌اش و فوت کوزه‌گری این سال‌ها را ثبت کنند تا به دست علاقه‌مندان برسد.»

اکبر نبوی:

سرهنکی روحیهٔ معلمی دارد

در هجدهمین دفتر از مجموعه نشست‌های شب‌های فرهنگ، اهالی هنر و ادبیات، حوالی شهر پورماه ۱۴۰۲، اکبر نبوی از آشنایی‌اش با مرتضی سرهنکی و آغاز رفاقتش با او می‌گوید: «افتخار آشنایی با مرتضی سرهنکی را از طریق سعید صادقی از سال ۱۳۶۷ دارم. آقا مرتضی تازه دفتر ادبیات را راه‌اندازی کرده بود و من دبیر بخش دفاع مقدس روزنامه رسالت بودم. اگر بخواهم شخصیت مرتضی سرهنکی را توصیف کنم، در ۴ ساعت از آن یاد می‌کنم. ایشان یک نویسنده است، فکر می‌کنم ایشان از زمستان سال ۶۰ کارش را شروع کرده چه بخواهد یا نخواهد، آتش‌ش گره خورده با دفاع مقدس است. دیگر ساخت‌شخصیت مرتضی سرهنکی، «روزنامه‌نگار بودنش است. اواخر دهه ۵۰ از روزنامه جمهوری کارش را شروع کرده و بعد دو هفته‌نامه «کمان» را همراه با دوست عزیزمان، هدایت بهبودی منتشر کردند و بعد از آن دوره کوتاهی را در روزنامه ایران فعالیت روخیه دیگر ساخت شخصیتی او، در دفتر ادبیات مقاومت دیده می‌شود. اما من کمان را جدا از روزنامه‌نگاری مرتضی می‌بینم، نگاه متفاوتی که مرتضی

محسن مؤمنی شریف:

سرهنکی مردی است که فاصله‌اش را با جناح‌ها حفظ کرده

محسن مؤمنی شریف، رئیس سابق حوزه هنری، زمانی که هنوز دوران مسئولیتش در این سازمان به پایان نرسیده بود، در نشست «راوی عشق» بعد از بهبودی پشت میکروفون می‌رود و از اهمیت مرتضی سرهنکی‌ها می‌گوید: «به اعتقاد رهبر انقلاب، آقای سرهنکی و دوستانش موجب شدند در حوزه انقلاب و جنگ، کشور از ادبیات وارداتی بی‌نیاز شود. ما امروز در این حوزه شاهد ادبیاتی هستیم که کاملاً متعلق به خودمان است و در معرفی انسان، برآمده از انقلاب اسلامی و افتخارات فرزندان این مرز و بوم ناتوان و الکن نیست. برعکس، چون ریشه در فطرت انسانی دارد در دل‌ها نشسته است. آقای سرهنکی تکلیفش را با خودش روشن کرده است و بعضی گریه‌ای رایج ما آدم‌های امروزی را ندارد. به یک وارستگی و بزرگواری رسیده است که انسان در حضورش احساس امنیت می‌کند. قرآن می‌فرماید: ان الذين آمنوا و عملوا الصالحات يسجعل لهم الرحمن ودا؛ آنانی که ایمان دارند و در پرتو آن عمل صالح انجام می‌دهند، خداوند رحمان محبت آنان را بر دل‌ها خواهد انداخت، این یک سنت الهی است.

به تعبیر مقام معظم‌رهبری، این‌ها کارشان را خوب بلدند و هم خوب آن را انجام می‌دهند. ایشان همه وقتشان را برای ادبیات دفاع مقدس گذاشتند. این راه را با علم و اعتقاد انتخاب کرد و در این مسیر ایستادگی هم کرد. این هنر مدیریت آقای سرهنکی یکی این است که نه‌تنها فاصله خودش را با جریان‌ها و جناح‌های سیاسی حفظ کرد بلکه موفق شد همکاران خودش را

به جوراب‌هایش نگاه کن

علی‌اکبر شروانی
مدیرعامل انتشارات سوره مهر

آخرین بار جوراب‌هایش زمینه‌زرد رنگ داشت و خط‌های سبز و شکلک‌هایی شبیه بازی‌های آتاری. قبلاً دیده‌ام جورابش طرح راه‌راه آبی و طلایی دارد و توپک‌های کوچیک قرمز. یک‌بار دیگر جوراب‌هایی داشت به رنگ قرمز با طرح‌های اسلیمی یا شبیه اسلیمی سر مه‌ای. ی‌بار دیگر و بار دیگر. هماهنگی و تناسب رنگ و طرح جوراب‌هایی که می‌پوشد با کفش و شلوار و پیراهن و تیشرت و کت و آقا کار هرکسی نیست. کار مرتضی سرهنکی است. هرکسی از پس این کار برنمی‌آید که رنگ‌های متنوع ببوشد و این رنگ‌ها با یکدیگر هم‌نشین باشد و توی ذوق نزنند و تازه بیننده را به تحسین وادارد. از مرتضی سرهنکی برمی‌آید.

بارها به این فکر می‌کنم که اگر جنگی نبود مرتضی سرهنکی چه می‌کرد.

فرشاد مهدی‌پور:

مرتضی سرهنکی بنیان‌گذار یک ایده است

باروشفکری است و از سوی دیگر بنیان‌گذار یک ایده است. کمان، بیشتر نوع دوم است و سعی در تولید یک تفکر جدید دارد. مخاطبان کمان تعداد قابل توجهی بودند. گرافیکش یکی از مواردی بود که در لایه متفاوتی با دیگر نشریات بود. در آن ایام که دیگر نشریات چاپ‌های رنگی، جلد‌های گلاس‌ه و عکس‌های بزرگ از چهره‌ها کار می‌کردند، کمان خلاف آن جهت تصو‌ری‌سازی و از چاپ دورنگی استفاده می‌کرد و حتی در همان دوره کوتاه هفت، هشت‌ساله‌ای که داشت، باعث شد در دیگر نشریات هم ردی از خود باقی بگذارد. ویژگی خوب کمان در نگاه واقع‌بینانه‌ای بود که به اتفاقات داشت و همین نگاه او را متمایز از دیگر نشریات می‌کرد. اما در جهت چهره روزنامه‌نگاری ایشان یک مهم وجود دارد. اساساً خاطره‌نویسی و خاطره‌نگاری به سبکی که ایشان و آقای بهبودی بنیان گذاشتند از همان سبک روزنامه‌نگاری ایشان متولد شد.»

داوود امیریان:

مرتضی سرهنکی سردار ادبیات پایداری است

و خودکار دادو گفت برو خاطرات را بنویس. اولین کتاب من در ۲۰ سالگی چاپ شد. نقطه من، بلکه خیلی دیگر از دوستانم از اعتماد آقای سرهنکی توانستم‌رشد کنیم. یکی دیگر از ویژگی‌های آقای سرهنکی این بود که من هنوز توانستم بفهمم که گرایش سیاسی ایشان چیست، با همه دوست است و ارتباط دارد. من آقایان سرهنکی و بهبودی را سردار ادبیات پایداری می‌دانم. اگر تشویق‌های ایشان نبود سرنوشت ما عوض می‌شد و من مشخصه خیلی از ایشان ممنونم.»

رضا امیرخانی:

وابستگی و دل بستگی هم‌نسلان من از حوزه هنری، آقای سرهنکی است

ما نشان می‌دهد چه‌کاره بودیم و چه می‌کردیم. در ما مرسوم است که قصه‌نویس‌ها ورشکسته می‌شوند و بعد از دوره‌ای ظرف خلاقیت‌شان تمام می‌شود و بعد از آن نویسندگان به کارهای نقد روی می‌آورند، اما در دوره‌ای که هر کسی می‌خواهد جای دیگری باشد، آقای سرهنکی هیچ وقت نخواسست تبدیل به چیز دیگری شود. همین بسیار باارزش است. آدم‌های دور و بر مان برای تبدیل شدن به چیز دیگر تلاش می‌کنند، اما مرتضی سرهنکی، خودش است و تبدیل شدن به چیز دیگری را نخواست.

این برای من آموزنده است.»

امید مهدی‌نژاد:

آقای سرهنکی جزو قدیسان است

در ادامه صحبت‌ها نوبت به یکی از جوان‌ها و شاعران جمع اهالی شعر مرتضی سرهنکی را در جمع اهالی ادبیات بگوید: «وابستگی و دل‌بستگی هم‌نسلان من از حوزه هنری، آقای سرهنکی است. هر وقت وارد حوزه می‌شوم، می‌بینم که همه‌جای حوزه هنری عوض شده ولی تنها جای ثابت حوزه آقایان سرهنکی و بهبودی هستند. من تصورم این است که این دو بزرگوار، برای ما مانا، نشان و اصالتی را حفظ کرده‌اند که به‌نظر من از کمان و کتاب‌های ایشان ارزشش خیلی بیشتر است. من از این منظر خود آقایان سرهنکی و بهبودی را بالاتر از کارهای‌شان می‌بینم، زیرا آقای سرهنکی به

گلعلی بابایی:

سال‌هایی که همه در حیرت بودند، سرهنکی عقلانیت به خرج داد

بودند، جایی که عقلانیت به خرج داد، دفتر ادبیات و هنر مقاومت بود. پادم می‌آید وقتی دست‌نوشته‌های خود را در باره جنگ که به‌نظم خیلی بی‌ارزش بودند در اختیار آقای سرهنکی قرار دادم، با روی خوش یا من برخورد کردند و مدت‌ها بعد همان دست‌نوشته‌ها با عنوان «قطعه‌رهایی» چاپ شد.»

محمد حمزه‌زاده:

بسیاری از مدافعان حرم با کتاب‌های سرهنکی بزرگ شده‌اند

می‌شوند. فرقی نمی‌کرد محتوای چه‌شکل به‌دست ایشان برسد. کافی بود ایشان چند خط را بخوانند و از همان چند خط کتاب‌هایی با تیراژ صد هزار تایی چاپ شود و مخاطبان بی‌شماری داشته‌باشد. ما می‌بینیم کردگانی که دیروز کتاب‌های استاد سرهنکی را می‌خواندند، امروز بسیاری‌شان مدافع حرم هستند.»

همسر مرتضی سرهنکی، خانم محرابی:

علامه جعفری گفتند ایشان یک شیعهٔ خوب آقا امیرالمؤمنین(ع) است

باش. در دیدار اول علامه به بهانه‌ای من را به یک اتاق روانه کردند و چند دقیقه طول کشید که من در صدا زدند، اسم کوچیک من را صدا زدند و گفتند یک جمله می‌گویم و آن هم اینکه «ایشان یک شیعه خوب آقا امیرالمؤمنین است.» و همین شد که با ایشان ازدواج کردم و اینکه برویم تحقیق و کارهایی که این روزها انجام می‌دهند، خیری نبود.»

آخرین نقل قول، دلیل ازدواج آقای سرهنکی است، نقل قولی که در همان نشست سال ۹۴ بیان‌شده و زبان همسر آقا مرتضی رسید، نقل قولی که گفته‌های علامه جعفری را هم در باره آقا مرتضی در خود جای داد: «سال ۶۱. خدمت مرحوم علامه محمدتقی جعفری بودم و به خاطر ارادت من به این عالم وارسته و به خاطر اینکه پدرم در قید حیات نبود، به ایشان گفتم شما در این ازدواج ولی من

تمایز سرهنکی در ماندگاری است و پایمردی بر راهی که آغاز کرد و از همان روزهای روزنامه تا امروز ادامه داده‌است. اگر زمانی ضرورت در راهی، خط مقدم جبهه شد تا گزارش و خبر تهیه کند؛ اگر لازم بوده به اردوگاه‌های اسرای جنگ رفت و آنچه دید را ثبت و ضبط کرد؛ اگر جای خالی کتاب «نظام‌نامه حرب؛ یکصد و ده فرمان آیت‌الله ولادی بوشهری برای مبارزان تنگستانی در جنگ جهانی اول» را به‌عنوان اثری تاریخی و پژوهشی و نظری حس کرد، از تصحیح و بازپایی آن دریغ نرورزی؛ و اگر در تمام این سال‌ها شاگرد پرووی ادبیات جنگ را لازم‌شمرد، عمر خود را صرف آن کرد. البته در همه ادوار نوشته است و منتشر کرده و غیر از کارهایی که برای همدانش کرده، از نوشتن غافل نبوده است. چراغ اتاق سرهنکی همواره دیر خاموش می‌شود؛ یا با کاغذ‌ها سر وکله می‌زند یا با آدم‌ها. اما کاغذ‌ها و آدم‌ها یا سوار قطاری که او راه انداخته می‌شوند و در مسیری که برای ثبت و ضبط و ارائه ادبیات جنگ

چه ردایی بر قامت مرتضی سرهنکی برانزده بود غیر از اینکه هست؛ ردای ادبیات جنگ. شاید روزنامه‌نگاری را ادامه می‌داد؛ همان‌جا که قبل از جنگ کارش را شروع کرده بود. شاید روزنامه‌نگاری می‌شد مشهور که شیوه کارش را در دانشگاه‌های خبرنگاری تدریس می‌کردند. شاید از روزنامه‌نگاری به ادبیات می‌رفت و بیشتر به قصه و داستان می‌پرداخت؛ همان‌طور که بسیار از نویسندگان معاصر کارشان را از روزنامه شروع کردند و در خانه ادبیات ساکن شدند و شهرت به نام ادبیات گرفتند. شاید البته مسیر متفاوتی از این چیزها که به ذهنم می‌رسد در پیش می‌گرفت. هرکسی می‌تواند احتمالات خودش را داشته باشد؛ چه از او بشناسد یا نه. گلوله‌هایی که جنگ را آغاز کرد با همه تلخی و ناگواری‌هایی که بر تن تاریخ ما گذاشت، مردانی ساخت که به آن‌ها می‌بالیم. مرتضی سرهنکی یکی از آنهاست و به دلایلی متمایز تر یشان.